

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی پدیده‌ی نگهداری از حیوانات خانگی

(مطالعه‌ی موردی شهر اهواز، سال ۱۴۰۰)

رحمان باقری^۱؛ جعفر کردزنگنه^۲؛ محبوبه عنانهاد^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

چکیده

امروزه پدیده‌ی نگهداری حیوانات خانگی، دل‌بستگی و همزیستی با آنها به عنوان مسئله‌ای نوپدید در جامعه ایران روند صعودی دارد. نوشتار حاضر با هدف مطالعه و تحلیل جامعه‌شناختی پدیده نگهداری از حیوانات خانگی در بین شهروندان اهوازی در سال ۱۴۰۰ صورت گرفته است. در این پژوهش کیفی از روش پدیدارشناسی تفسیری، نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک مصاحبه عمیق و نیمه‌عمیق با ۱۷ شهروند اهوازی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. همه مصاحبه‌ها ضبط و بلافاصله پیاده‌سازی شدند و با رویکرد تفسیری (تحلیل تماتیک) تحلیل شد. یافته‌های پژوهش که حاصل استخراج از مصاحبه‌هاست، شامل ۸۰ عبارت معنایی، ۳۸ مفهوم پایه و ۹ مقوله اصلی «ایجاد سبک دل‌بستگی ایمن»، «افزایش عشق و علاقه، شادمانی»، «شکل‌گیری خانواده بین‌گونه‌ای»، «افزایش ارتباطات اجتماعی و شخصیتی»، «تأثیر قدرتمند رسانه‌ها و بلاگرها در بازاندیشی فرهنگ مدرن»، «تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی»، «به‌رسمیت نشناختن حیوانات خانگی»، «شرایط نامطلوب اقتصادی و آینده مالی» و «تضعیف سرمایه اجتماعی» است. براساس یافته‌ها، نگهداری از حیوانات خانگی پاسخی مناسب به مشکل تنهایی و پر کردن فراغت صاحبان آنهاست. شرایط اجتماعی جدید از جمله دگرگونی سبک زندگی و در دسترس قرارگیری تکنولوژی، موجب شده برخی شهروندان به تعامل با غیرهمنوع علاقه نشان دهند. در آخر، پیشنهادهایی متناسب با

۱. عضو هیأت علمی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. r.ba94@pnu.ac.ir

۲. عضو هیأت علمی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).

J.zangeneh@pnu.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

Mah.ananahad@gmail.com

ظرفیت‌های موجود ارائه شد.

واژه‌های کلیدی: حیوانات خانگی؛ خانواده بین‌گونه‌ای؛ دلبستگی ایمن؛ تحلیل تماتیک.

مقدمه و بیان مسأله

خانواده، نهادی است که سنگ بنای جامعه را تشکیل می‌دهد و مکانی برای آرامش و حفظ سلامت اخلاقی و رفتاری اعضای آن است. با پیشرفت تکنولوژی و مدرن شدن خانواده‌ها، کارکردهای مذهبی و تربیتی آن دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است. در این زمینه، یکی از تغییرات، نگهداری حیوانات خانگی است (لفلر^۱ و لرنر^۲، ۲۰۰۲: ۲۸۵ و ۳۰۴). در واقع، از نیمه دوم قرن بیستم، پدیده نوظهور نگهداری از حیوانات خانگی، مالکیت و دلبستگی به حیوان (سگ و گربه) گسترش چشم‌گیری داشته است به طوری که امروزه حیوانات خانگی چنان در بافت خانواده و جامعه محکم شده‌اند که به نظر می‌رسد در برخی خانواده‌ها، تصور زندگی بدون آنها دشوار است. از نظر ملسون^۳، داشتن حیوانات خانگی می‌تواند در تصمیمات ازدواج، باروری و جامعه‌پذیری کودکان نقش مهمی بازی کند (ملسون، ۲۰۰۳: ۳۱-۳۹). شیوه‌های ارتباط افراد با حیوانات خانگی نیز به طور قابل توجهی تغییر کرده است. بسیاری از خانواده‌های بدون فرزند، با حیوانات خانگی خود روابط قوی و احساسی برقرار می‌کنند و تلاقی این دو تغییر اجتماعی (تغییر خانواده و تغییر رابطه با حیوانات) سبب ایجاد خانواده بین‌گونه‌ای شده است. به طوری که برای بسیاری از خانواده‌ها، حیوانات خانگی دیگر مالکیت نیستند، بلکه همراهان نزدیک و حتی کودکان جانشین آنها محسوب می‌شوند (گرین باوم^۴، ۲۰۰۴: ۱۱۷).

با ظهور پدیده آپارتمان‌نشینی، نگهداری از حیوانات خانگی عمدتاً شامل سگ، گربه، خرگوش، همستر و ... نوعی تغییر در سبک زندگی است که البته حیوانات غیرمترعارف را نیز شامل می‌شود. امروزه با پیشرفت تکنولوژی و افزایش ضریب نفوذ اینترنت در جهان و شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، یوتیوب، فیسبوک و توئیتر و ... جایگزین رسانه‌های سنتی شده‌اند و با نهایت سرعت امکان ارتباط با سراسر جهان را در کمتر از چند ثانیه برای افراد جامعه و شهروندان فراهم می‌کنند. در این میان تأثیر بلاگرها بر تمام وجوه و ابعاد زندگی مردم را نمی‌توان نادیده گرفت. بر مبنای اطلاعات و پژوهش‌های انجام‌شده، گردش مالی مربوط به صنعت حیوانات خانگی طی چند دهه گذشته در جهان رو به افزایش بوده است و در ایران -به‌ویژه در شهرهای

1. Leffer

2. Lerner

3. Melson

4. Green baum

بزرگ - نیز اقبال عمومی نگهداری از این حیوانات چشم‌گیر بوده است. گردش مالی صنعت حیوانات خانگی در سال ۲۰۱۸ در جهان حدود دو میلیارد بوده است (جباری، ۱۳۹۷).

بر مبنای پژوهش‌های انجام‌شده، نگهداری از حیوانات خانگی در ایران، پدیده‌ای است که در ارتباط با تبادل فرهنگی و تغییر ارزش‌ها و اقتباس ناآگاهانه از فرهنگ‌های دیگر و فقدان تعریف منطقی روابط و عدم مهارت ارتباط اجتماعی و همچنین ظهور نیازهای جدید نسل جوان به وجود آمده است. افزایش تنهایی، فردگرایی و تغییر سبک زندگی موجب شده برخی خانواده‌ها، حیوانات خانگی را جانشین کودکان و ارتباط با هم‌نوع خود قرار دهند. در این میان بخش قابل‌توجهی از سبد هزینه‌های خانواده‌ها به این حیوانات خانگی اختصاص یافته است. البته افزایش حیوانات خانگی در بین شهروندان جامعه، چیزی نیست که برای اثبات آن نیاز به آمار و ارقام باشد. ازدیاد کلینیک‌های تخصصی دامپزشکی در سطح شهر، تبلیغات گسترده و خرید و فروش این حیوانات با قیمت‌های کلان در فضای مجازی، تظاهر و خودنمایی افراد مشهور و بلاگرها در شبکه‌های اجتماعی و ترویج و تبلیغ سبکی از زندگی ضمن داشتن حیوانات خانگی، خود گویای این موضوع است.

از آنجایی که اهواز یکی از شهرهای بزرگ ایران و هشتمین شهر پرجمعیت کشور است به صورت بالقوه قابلیت تبدیل به یک مورد مناسب جهت پژوهش در موضوعات گوناگون را دارد. از سوی دیگر رشد فزاینده نگهداری از حیوانات خانگی که در سطح شهر و زندگی‌های شخصی پیرامونی در اهواز برای ساکنین و نیز نگارنده - که خود ساکن اهواز است - به سادگی قابل مشاهده است و موجب کنجکاوی نگارنده در انتخاب آن به عنوان موردی برای پژوهش شده است. در نهایت اینکه ترکیب و تنوع قومیتی ساکن شهر اهواز عامل مؤثر دیگری در انتخاب آن بوده است. با توجه به مطالب ذکر شده، نوشتار حاضر بر آن است تا با رویکرد کیفی ضمن توصیف وضعیت موجود در بین شهروندان اهوازی به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مشارکت-کنندگان (افراد و خانواده‌های دارای حیوان خانگی)، به عنوان کنشگران اجتماعی چه تجربه‌ای از این وضعیت دارند؟ این پدیده را چگونه درک و معنا می‌کنند؟ از دید مشارکت‌کنندگان، الگوهای زمینه‌ای شکل‌دهنده به پدیده داشتن حیوان خانگی کدامند؟

پیشینه پژوهش

تان^۱ و همکاران (۲۰۲۱: ۳۳۷۱) در پژوهشی با عنوان «تبدیل‌شدن به برده‌های خانگی در چین شهری: نظریه‌ی شهری فراگونه، زنان حرفه‌ای مجرد و حیوانات همراه آنها» با استفاده از

نظریه شهری فراگونه‌ای و روش کیفی به بررسی داده‌های مصاحبه‌ای جمع‌آوری‌شده از گوانگژو^۱، نقشی را که حیوانات همراه در زندگی زنان مجرد در چین شهری ایفا می‌کنند، بررسی کرده‌اند به سه نتیجه رسیده‌اند: نخست، حیوانات همراه، هم به یک نماد طبقاتی و هم پناهگاهی امن در برابر خواست‌های استرس‌زای زندگی کاری تبدیل شده‌اند. دوم، همان‌طور که زنان حرفه‌ای چینی روابط صمیمانه مثبتی با همراهان خود ایجاد می‌کنند تا استقلال خود را به‌عنوان افراد در محل کار حفظ کنند، به‌طور فزاینده‌ای به ازدواج سنتی و خانواده در نمونه‌ای از «زنانگی نوظهور» پشت می‌کنند. سوم، حیوانات خانگی حوزه جدیدی از اجتماعات آنلاین را برای صاحبان خود ارائه می‌دهند. بنابراین، حیوانات همراه شرایط زندگی صاحبان شهری، زن و طبقه متوسط خود را با هم برمی‌سازند. بولر و بلنتاین^۲ (۲۰۲۰: ۴۱) مطالعه‌ای کیفی با عنوان «زندگی با یک حیوان خانگی دارای مشکلات رفتاری و دوست داشتن آن: تجربیات صاحبان حیوانات خانگی» و با هدف تعیین تجربه صاحبان حیوانات خانگی از زندگی و مراقبت از یک حیوان دارای مشکلات رفتاری انجام داده‌اند. داده‌ها از سی و نه صاحب حیوان خانگی گردآوری شده و با استفاده از تحلیل موضوعی تحلیل شدند. این محققان نشان داده‌اند که مراقبت از حیوانات خانگی دارای مشکلات رفتاری، می‌تواند به روش‌های قابل‌توجهی بر صاحبان آن حیوانات تأثیر بگذارد. متخصصان بهداشت حیوانات می‌توانند به‌عنوان منبع حمایت در طول درمان مشکلات رفتاری حیوان عمل کنند، صاحب حیوان هم ممکن است به مشاوره فردی یا گروهی با یک درمانگر یا مددکار اجتماعی نیاز داشته باشد. ردمالم^۳ (۲۰۲۰: ۴۴۰) در تحقیقی کیفی و با عنوان «انضباط و توله سگ‌ها: قدرت نگهداری از حیوانات خانگی» و انجام ۲۰ مصاحبه با صاحبان حیوان خانگی، مفهوم فوکو را از فناوری دوقطبی قدرت انضباطی و قدرت زیستی نظارتی برای پرداختن به تنش بین انضباط و آزادی در روابط خانگی بین انسان و حیوان خانگی اتخاذ می‌کند و نشان می‌دهد که مرزهای خانه، بازی قدرت بین بدن‌ها، و «شرایط یک عشق بی‌قید و شرط» برای ایجاد رابطه با حیوان خانگی به‌عنوان امری ذاتاً معنی‌دار و به‌عنوان بخشی ضروری از زندگی، هم در نقش نگهبان و هم در نقش حیوان خانگی اهمیت اساسی دارند. تعادل بین انضباط و آزادی، امکان ساخت هویت انسانی و دیگر هویت‌ها را فراهم می‌کند. هینیک و همکاران (۲۰۱۹: ۵۵) در پژوهشی با عنوان «تأثیر حیوان‌درمانی و مداخله مقایسه‌ای بر اضطراب کودکان بستری در بیمارستان» این مطالعه‌ی نیمه-تجربی به مقایسه اضطراب حالت قبل و بعد از مداخلات پژوهشی ساختاریافته در یک نمونه‌ی

1 . Guangzhou

2 . Buller & Ballantyne

3 . Redmalm

۹۳ نفری از کودکان بین ۶ تا ۱۷ سال در دو گروه پرداخته است. شرکت‌کنندگان بر اساس زمان‌بندی جمع‌آوری داده‌ها، به گروه حیوان‌درمانی یا گروه کنترل تقسیم شدند. در یک گروه استفاده از پازل و در گروه دیگر حیوان‌درمانی انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد در هر دو گروه کاهش اضطراب مشاهده شد، اما در گروه حیوان‌درمانی، اضطراب به شکل معناداری کاهش بیشتری نشان داد. خانواده‌ها نیز به‌طور معناداری از برنامه حیوان‌درمانی رضایت بیشتری ابراز نمودند. اوون و گروه‌رولز^۱ (۲۰۱۹: ۹۶) پژوهشی با عنوان «والدین بین‌گونه‌ای: چگونه والدین حیوانات خانگی نقش خود را می‌سازند؟» انجام داده‌اند. این مطالعه‌ی کیفی، خانواده بین‌گونه‌ای را بررسی می‌کند تا بفهمد چگونه افرادی که گربه‌ها و سگ‌های خود را به‌عنوان اعضای خانواده محسوب می‌کنند، این فرایند تغییر و حفظ خانواده را توصیف می‌کنند. مطالعه مذکور بیانگر این است که حتی اگر افراد می‌گویند حیوانات خانگی آنها عضوی از خانواده است، همه، خود را والدین حیوان نمی‌دانند یا گروه زیادی از افراد، علاوه بر داشتن حیوان، به فرزندپروری مشغول هستند. شرکت‌کنندگان با فرزندان انسان تا حدودی با کسانی که فرزند انسان ندارند تفاوت دارند و این نشان می‌دهد که شکل خانواده، تجربیات فرزندپروری حیوانات خانگی را شکل می‌دهد. آنان در این مطالعه بر جنبه‌ای از خانواده‌های بین‌گونه‌ای تمرکز کرده‌اند که همان فرزندپروری حیوانات خانگی است. ایروین و سیلیا^۲ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «خانواده‌های فراتر از انسان: حیوانات خانگی، افراد، و شیوه‌ها در خانواده‌های چندگونه‌ای». این مقاله با اقتباس از تحقیقات در مورد شیوه‌های خانوادگی از جمله خویشاوندی، اجتماعی شدن دوران کودکی و خشونت خانگی؛ چگونگی مشارکت حیوانات خانگی در انجام کار خانواده و معنای حضور آنها را بررسی کرده است. این دو محقق معتقدند که همزیستی انسان با حیوان در طول زمان معانی مختلفی پیدا کرده است فقط در دنیای امروز است که افراد آشکارا حیوانات خانگی خود را به‌عنوان اعضای خانواده می‌بینند. «خانواده‌های فراتر از انسان» امروزی نشان‌دهنده ترکیبی از روابط انسانی و حیوانی، اجتماعی و طبیعی هستند تا نوع جدیدی از خانواده. تبدیل شدن به خانواده، همیشه مشروط به مشخصه‌ها یا شخصیت‌های غیرانسانی بوده است و شناخت خانواده «فراتر از انسان» می‌تواند درک جامعه‌شناختی را نه تنها از خانواده، بلکه از دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی نیز افزایش دهد. ساندرز و همکاران (۲۰۱۷) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تفاوت‌های بین صاحبان حیوانات خانگی و غیرخانگی: دلالت‌های برای تحقیق و سیاست تعامل انسان و حیوان» انجام داده‌اند. این مطالعه، شواهد تحقیقاتی از جمله مکانیسم‌های فرضی که از طریق آن مالکیت حیوان خانگی

1 . Owens & Grauerholz

2 . Irvine & Cilia

ممکن است بر نتایج سلامتی تأثیر بگذارد را مرور کرده و از نظرسنجی بزرگی ($n = ۴۲۰۴۴$) که در سال ۲۰۰۳ در کالیفرنیا انجام شده استفاده کرده است. یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که صاحبان حیوانات خانگی و صاحبان غیرحیوان خانگی در بسیاری از صفات از جمله جنسیت، سن، نژاد/قومیت، ترتیبات زندگی و درآمد متفاوت هستند. تقریباً ۶۲ درصد از جمعیت آمریکا با یک حیوان خانگی زندگی می‌کنند و معتقدند که حیوانات خانگی مزایای سلامت روانی و جسمی را برای همراهان انسانی خود فراهم می‌کنند. بالوئرکا^۱ و همکاران (۲۰۱۴: ۱۰۷) در پژوهشی با عنوان «تأثیر درمان با کمک حیوانات (AAT) بر بازنمایی دل‌بستگی جوانان در مراقبت‌های مسکونی»، ۴۶ نوجوان مبتلا به تروما (تجربه‌های آسیب‌زا) و بیمارهای کودکی را بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که نوجوانان پس از گذراندن دوره همراهی با حیوانات دل‌بستگی ایمن‌تری از خود نشان داده‌اند. همچنین، ولز^۲ (۲۰۰۹: ۵۲۳) در تحقیقی با عنوان «اثرات حیوانات بر سلامت و رفاه انسان» به دنبال بررسی شواهدی بوده‌اند که حیوانات خانگی می‌توانند برای کمک به معلولان و خدمت به عنوان «درمانگر» به کسانی که در محیط‌های سازمانی هستند اثرگذار باشند. این مطالعه نشان داده که نگهداری از حیوان خانگی منجر به بهبود وضعیت روانی و سلامت بیشتر روان می‌شود. در روابط اجتماعی نیز موجب کاهش انزوا شده و در روابط فرد بهبود ایجاد می‌کند. از آنجا که به کاهش افسردگی کمک می‌کند، فرد را به فعالیت اجتماعی و تعامل تشویق می‌نماید و در بهبود ارتباطات او موثر است.

در ایران، مطالعات پیرامون نگهداری از حیوانات خانگی نسبتاً محدود بوده و مربوط به سال‌های اخیر است. زیادلو و همکاران (۱۴۰۱: ۵۴) در پژوهشی با عنوان «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، کیفیت زندگی و نگرش به زندگی در مراجعین دارا و فاقد حیوان خانگی به کلینیک‌های دامپزشکی شهرستان گرگان» و از نوع توصیفی- علی مقایسه‌ای با تعداد نمونه ۶۰ نفر، نشان داده‌اند که بین ویژگی‌های شخصیتی، کیفیت زندگی و نگرش به زندگی در مراجعین دارا و فاقد حیوان خانگی به کلینیک‌های دامپزشکی تفاوت معناداری وجود دارد. محمدزاده (۱۴۰۱: ۱)، در تحقیقی با عنوان «رابطه بین مهارت‌های مدیریتی دامپزشکان و رضایت‌مندی مراجعین از ارائه خدمات به حیوانات خانگی» در کلینیک‌های دامپزشکی تهران (نمونه: ۲۷۴ نفر)، با استفاده از روش پیمایش نشان داده است که رابطه مثبت معنی‌داری بین مهارت‌های مدیریتی و مؤلفه‌های آن با رضایت‌مندی مراجعین از ارائه خدمات به حیوانات خانگی وجود دارد. تقوی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای کیفی با عنوان «عوامل فرهنگی نگهداری از حیوانات خانگی و ترجیح آن بر

۱. Balluerka

۲. Wells

فرزندآوری در مقایسه با تعالیم اسلامی با ۲۰ نفر از افراد شهرتهران که دارای حیوانات خانگی هستند، مصاحبه عمیق انجام داده و نشان داده که سبک رفتاری افراد در تعامل با این حیوانات و ترویج این نوع زندگی با فرهنگ ایرانی-اسلامی فاصله زیادی داشته و متأثر از سبک زندگی غربی است که ناشی از مدزدگی و خودنمایی است. ترس از فرزندآوری و ایجاد مسئولیت برای والدین نسبت به نگهداری و تأمین هزینه‌های مادی و برآورده ساختن نیازهای عاطفی و روحی دلایلی است که موجب شده حیوانات خانگی به‌عنوان موجوداتی بی‌توقع جای فرزند را در خانواده‌ها بگیرند. خانجانی و همکاران (۱۳۹۶: ۶۱۶) در مقاله‌ای پژوهشی به بررسی «نقش صفات شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی در نگهداری حیوانات خانگی» پرداختند. این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای است که ۲۰۰ نفر از صاحبان حیوان خانگی و ۲۰۰ نفر از افراد فاقد حیوان خانگی بین ۲۰ تا ۴۰ سال (مرد) در شهر تبریز را با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب کرده‌اند و نشان داده‌اند که سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا و همچنین میزان افکار منفی در روابط اجتماعی در گروه صاحب حیوان خانگی به‌طور معنی‌داری بیشتر از گروه فاقد حیوان خانگی است. قمریان (۱۳۷۹: ۱) پژوهشی با عنوان «بررسی انگیزه‌ی نگهداری از حیوانات خانگی در مراجعین به بیمارستان شماره ۲ دامپزشکی دانشگاه تهران» انجام داده است. در این تحقیق نگارنده ضمن گردآوری داده‌ها به‌صورت مصاحبه، پرسش، مشاهده و عکس در چند محله شهر تهران، به بررسی چهار خانواده تهرانی که سگ نگهداری می‌کنند به مطالعه انگیزه‌ها و الگوهای حاکم بر این مسئله پرداخته است. این مطالعه نشان داده که «پُر کردن خلاء عاطفی» به‌عنوان انگیزه اصلی نگهداری از حیوان خانگی مطرح می‌شود.

مروری بر تحقیقات انجام‌شده حاکی از آن است که پژوهش‌های مذکور - به‌ویژه پژوهش‌های خارجی - غالباً ارتباط نگهداری از حیوانات خانگی را با سلامت روانی و جسمی افراد مورد بررسی قرار داده‌اند. بعضی از مطالعات داخلی نیز جوانب مذهبی مسأله را بررسی کرده‌اند. غالب پژوهش‌های مربوطه از دیدگاه روان‌شناسی و در مواردی از دیدگاه پزشکی انجام گرفته‌اند و کمتر پژوهشی به‌خصوص در ایران جوانب جامعه‌شناختی مسأله نگهداری از حیوانات را به‌طور عمیق مطالعه کرده است.

چارچوب مفهومی پژوهش

محققان کیفی برخوردار از یک چارچوب نظری از پیش تعیین‌شده را برای تحقیق مضر می‌دانند، زیرا ممکن است محقق را بسیار محدود کند و موجب غفلت او از دیدگاه افراد مطالعه-

شده درباره آنچه در حال وقوع است بشود (ایمان، ۱۳۹۳: ۱۷۷ و ۲۴۲). با وجود این، آنان در تحقیقاتشان از متون نظری صرفاً به منزله منابع احتمالی ایجاد سوال، منبع ثانویه داده‌ها و راهنمای نمونه‌گیری نظری استفاده می‌کنند (استروس^۱ و کوربین^۲، ۱۳۸۷: ۴۹). از آنجا که نوشتار حاضر با رویکرد کیفی انجام گرفته، تلاش شد تا به مرور بعضی مفاهیم و دیدگاه‌ها که با موضوع و رهیافت این نوشتار تناسب و قرابت دارند پرداخته شود لذا، دیدگاه دل‌بستگی و امنیت روانی جان بالبی^۳، دیدگاه دگرگونی ارزش‌های رونالد اینگلههارت^۴، دیدگاه سرمایه فرهنگی-اجتماعی پیر بوردیو^۵، دیدگاه بازان‌دیشی، مدرنیته و سبک زندگی آنتونی گیدنز^۶ و همچنین دیدگاه گذار دوم جمعیت‌شناسی ون‌دکا^۷ چارچوب مفهومی نوشتار حاضر را تشکیل می‌هند.

دل‌بستگی یکی از مفاهیم اصلی کردارشناسان است که به سلامت روان و مشکلات رفتاری افراد مربوط می‌شود. بالبی (۱۳۸۷: ۲۹۰) تأکید می‌کند که هیجان‌ها، جزء اساسی دل‌بستگی هستند. کودکان با سبک دل‌بستگی دارای تجارب سرشار از ایمنی و به دور از اضطراب هستند و در مقابل، کودکان با سبک دل‌بستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) دنیا را محیطی ناامن و استرس‌زا تصور کرده و توانایی مؤثر و سازنده با مشکلات و موقعیت‌های تنش‌زا را ندارند. یکی از عوامل شکل‌گیری شخصیت در بزرگسالی، کیفیت دل‌بستگی در زمان کودکی فرد می‌باشد. افراد به دلیل اینکه برای خود و تنهایی خود، همدم داشته باشند، به سمت حیوانات پناه می‌برند و آنها را سنگ صبور همیشگی می‌پندارند. در این میان، اگر نیازهای عاطفی فرد مخصوصاً در درون خانواده پاسخ داده شود او به سمت این‌گونه دل‌بستگی‌ها گرایش نخواهد یافت. در حقیقت دل‌بستگی، یکی از عناصر اساسی تحول طبیعی انسان به شمار می‌رود که نشان‌دهنده فرایندی دو سویه از ارتباطات عاطفی است. پژوهش‌های متعددی رابطه انسان و حیوان را به‌واسطه نظریه دل‌بستگی به منظور در همزیستی‌هایی که وجود دارد، بررسی کرده‌اند و حمایت بسیاری برای نیرومندی پیوند احساساتی و گره هیجانی بین حیوان اهلی و صاحبش یافتند که این همان تعریف دل‌بستگی است، یعنی پیوند یا گره هیجانی پایدار بین دو فرد، که در مورد انسان و حیوان این پیوند هیجانی بین انسان و حیوان شکل می‌گیرد (تازیکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳). زیلکامانو^۸ و همکاران (۲۰۱۲: ۵۷۱) معتقدند که حیوانات خانگی به‌عنوان چهره‌های دل‌بستگی، می‌توانند پناهگاه امنی را برای صاحبان خود فراهم

1. Strass

2. Corbin

3. Bowlby

4. Ronald F. Inglehart

5. Pierre Bourdieu

6. Giddens

7. Van de kaa

8. Zilcha-Mano

کنند. به نظر می‌رسد دلبستگی نایمن یکی از عوامل گرایش به نگهداری حیوانات خانگی باشد، چرا که فرد کمبودهای عاطفی خود را در این زمینه از طریق ارتباطی که تهدیدکننده نیست یعنی ارتباط با حیوانات که احتمال پردکنندگی از سوی آن‌ها بسیار اندک است جبران می‌کند و با چنین ارتباطی، احساس نایمینی خود را کاهش می‌دهد.

اینگلهارت معتقد است رشد نوگرایی می‌تواند ارزش‌های فرامادی را افزایش دهد و منجر به تغییر فرهنگی شود. از نگاه او، خیزش فرامادی تنها یک جنبه از فراگرد گسترده دگرگونی فرهنگی است که طی چند دهه گذشته، اعتقادات مذهبی، نگرش مردم پیرامون تشکیل خانواده و ازدواج، فرزندپروری و اهمیت داشتن بچه، همه و همه دگرگون شده است و به‌طور کلی خواست مردم از زندگی تغییر کرده است. تغییر و تحولات صنعتی شدن، شهرنشینی، امنیت اقتصادی کشورهای پیشرفته منجر به پیدایش تغییر بین‌نسلی به سمت ارزش‌های پُست‌مدرن و فرامادی شده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۷). در همین راستا در زمینه نگهداری از حیوانات در خانه، می‌توان تأثیر تغییر ارزش‌های فرهنگی را در جامعه ایران به‌وضوح مشاهده کرد. فرزندان والدینی که از نسل‌های دهه ۵۰ و ۶۰ هستند برخلاف ارزش‌های دینی که والدین‌شان در خانه و مدرسه آموخته‌اند (نجس بودن حیوانات به‌ویژه سگ) تمایل زیادی به نگهداری از این حیوانات دارند.

پیر بورديو (۱۳۸۱: ۲۰۴) نیز تأثیر افزایش سرمایه فرهنگی در دنیای مدرن را انکارنشدنی می‌داند. به اعتقاد او، کسی که به‌واسطه‌ی سرمایه فرهنگی منزلت دارد، می‌تواند برداشت و روایت خود را از دنیای اجتماعی بر دیگران تحمیل کند و در عرصه فرهنگ، نوعی گزینش دلخواه داشته باشد. در واقع نگهداری از حیوانات خانگی، نسبت به دوره‌های گذشته که به‌عنوان نگهبان و یا شکار بود، دچار تحول گردید و گویا به‌صورت یک الگو و سبک زندگی تبدیل شده است. آنتونی گیدنز معتقد است، رسانه‌ها در دنیای امروز/از جا کنده‌شدن آدم‌ها را تقویت کرده‌اند. یعنی تجربه‌ها خیلی زود بین آدم‌ها منتقل می‌شود. رسانه‌ها سبک‌های زندگی را برای مردم عرضه می‌کند و موجب می‌شوند تا آن‌ها درباره زندگی خود تأمل کنند. از نظر گیدنز، مدرنیته، افزون بر فرصت‌های زیادی که فراهم می‌آورد، پدیده‌های ناخواسته و ناخوشایندی را در جهان کنونی نظیر ایجاد سردرگمی اخلاقی و عاطفی، احساس بیهودگی و تنهایی برای انسان‌ها به‌وجود می‌آورد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۶۱). از دید گیدنز مدرنیته و جهانی‌شدن ماهیت تجربه‌های روزمره ما را از بیخ و بن تغییر می‌دهد. چون جوامعی که در آنها زندگی می‌کنیم دست‌خوش دگرگونی‌های ژرفی می‌شوند، نهادهای پابرجایی که زیربنای این جوامع بودند نامناسب و زائد شده‌اند. این وضعیت، ما را وادار به تعریف دوباره جنبه‌های خصوصی و شخصی زندگی‌های مان می‌کند، جنبه‌هایی مثل خانواده، نقش‌های جنسیتی، روابط جنسی، هویت شخصی، کنش‌های متقابل با دیگران و روابط و مناسبات

ما با کار. جهانی شدن موجب تغییر ژرف نحوه اندیشیدن ما درباره خودمان و روابطمان با دیگران شده است (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۹: ۹۰-۹۱). گیدنز از این فرایند به عنوان «بازاندیشی^۱» نام می‌برد. ویژگی‌های اساسی فرایند مدرنیته و نوگرایی که پایه تحرک و پویایی آن محسوب می‌شود، «بازاندیشی» در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۷). ون‌دکا (۲۰۰۱: ۱۶) با طرح دیدگاه گذار دوم جمعیتی، فردگرایی را محصول تغییراتی می‌داند که در حوزه ارزش‌های خانوادگی رخ داده است. او تأخیر و کاهش ازدواج، افزایش طلاق، تضعیف ارزش‌های خانوادگی را مطرح کرده است. ایران نیز از جمله کشورهایی است که در طی یکی دو دهه‌ی گذشته، تغییراتی در ساختارهای خانوادگی و کاهش علاقه زوج‌ها به فرزندآوری را تجربه کرده است. اولریش بک^۲ و الیزابت بک گرنشایم^۳ (۲۰۱۴: ۱۲۰) معتقدند که حتی بعد از انتقال از مدرنیته اول به مدرنیته دوم نیز فردگرایی جدید (فردی‌شدن) عادی نمی‌شود بلکه در مرحله کمال هم نامشخص، پرخطر و سرشار از آزادی مخاطره‌آمیز است.

دیدگاه‌های یاد شده، می‌توانند به تحلیل پدیده نگهداری از حیوانات خانگی در بین شهروندان کمک کنند. رویکرد تفسیری به معنای رفتار یا کنش انسانی توجه دارد. مردم در زندگی روزمره خود به دنبال فهم دنیایی هستند که در آن زندگی و فعالیت می‌کنند و معانی ذهنی تجربه-هایشان را توسعه می‌دهند؛ این معانی متعدد و چندگانه‌اند. دستیابی به آن‌ها جز از طریق تعامل خلاق و فعالانه محقق با مورد مطالعه، امکان‌پذیر نیست (ایمان، ۱۳۹۳: ۶۸).

روش پژوهش

در این نوشتار از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی تفسیری استفاده شده است. در تحقیقات کیفی، برخلاف رویکردهای کمی، به جای تحلیل آماری داده‌ها، تفسیر اطلاعات اهمیت دارد. چون تفسیر و درک انسان‌ها از جهان پیرامونشان در بستر اجتماعی زندگی روزمره شکل می‌گیرد، معانی ایجادشده به بستر اجتماعی وابسته بوده و در درون آن معنا دار می‌شوند (برایمن، ۲۰۰۳). برای گردآوری اطلاعات از فنون مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساخت‌یافته و مشاهده استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه شامل شهروندان دارای حیوانات خانگی ساکن شهر اهواز است که با ۱۷ نفر از آنها به صورت هدفمند و در دسترس در کلینیک‌های تخصصی دامپزشکی سطح شهر، پارک‌ها و محیط‌های واقعی، انجام شد. حجم نمونه، بر اساس اشباع داده‌ها به دست آمد. اشباع

1. Reflexivity
2. Ulrich beck
3. Elisabeth beck-Gernsheim

داده‌ها یا اشباع نظری، رویکردی است که برای تعیین کفایت نمونه‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد و جمع‌آوری و تحلیل داده‌های بیشتر ضروری نیست (ساندرس و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۹۰۳). مصاحبه‌های این پژوهش در زمستان ۱۴۰۰ انجام شد و بنابر ملاحظات اخلاقی، مصاحبه‌شوندگان در جریان اهمیت و اهداف تحقیق قرار داده شدند و تضمین داده شد هویت آن‌ها محرمانه باقی بماند.^۱ از آنجایی که بعضی افراد شرکت‌کننده در کلینیک‌ها و پارک‌ها بودند و به دلیل نگرانی از روند درمانی حیوان خانگی خود یا بی‌قراری حیوان بعد از واکسن و مدارا عجله داشتند، ادامه مصاحبه‌ها به صورت تلفنی نیز صورت گرفت که در مجموع مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۵۰ دقیقه بود.

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا اظهارات مشارکت‌کنندگان ضبط و روی کاغذ پیاده‌سازی شد. سپس چندین بار از سوی محققان با دقت شنیده و مطالعه شد. برای شناسایی جمله‌ها و مفاهیم کلیدی موجود در متن، متن مصاحبه‌ها خط به خط و کلمه به کلمه بررسی و به هر جمله یا کلمه کلیدی، یک کد داده شد و طبقات اولیه شکل گرفت. این مفاهیم مجدداً در هم ادغام شدند تا مقوله‌های اصلی را تشکیل دهند. بدین ترتیب نگارندگان چندین بار نوشته‌ها، کدگذاری‌ها و دسته‌بندی‌ها را برای اصلاح کدها و اطمینان از اعتبار آن‌ها و صحت مفاهیم و مقولات شناسایی شده بررسی کردند و اتفاق‌نظر میان آنان در سطح بالایی بود و تأیید گردید (استفاده از تکنیک ممیزی: چک شدن توسط همکاران و اعضای تیم تحقیق)^۲. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تکنیک تحلیل تماتیک استفاده شد. در این روش تم‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند. از آنجا که سوالات برای همه مشارکت‌کنندگان یکنواخت و همسان بود و از این‌رو قابلیت اطمینان و ثبات نیز در این پژوهش رعایت شد و برای افزایش تعمیم‌پذیری (انتقال-پذیری) از زمینه‌ها و شرایط متفاوت و دیدگاه و تجارب گوناگون شرکت‌کنندگان استفاده گردید. در واقع، درگیری مستمر نگارندگان با میدان تحقیق و شرکت‌کنندگان تأییدکننده اعتبار تحقیق و همچنین، تأیید مفاهیم و مقوله‌های به‌دست آمده از متن مصاحبه‌ها توسط سه نفر از شرکت‌کنندگان (کنترل یا اعتباریابی از طریق اعضا)^۳ بیانگر تأییدپذیری اطلاعات و نتایج تحقیق بوده است.

^۱ . در این مطالعه، به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی از اسامی مستعار برای مشارکت‌کنندگان استفاده شده

است.

2 . Auditing

3 . Member Checking

یافته‌ها

به‌منظور ارائه‌ی تصویر ذهنی کامل‌تر از مشارکت‌کنندگان، خلاصه‌ای از مشخصات زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره یک- مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

نحوه خریداری حیوان خانگی	نوع حیوان خانگی	نوع وضعیت مسکن	درآمد ماهیانه	وضعیت اشتغال	تعداد فرزند	وضعیت تاهل	تحصیلات	سن	جنس	کد
فضای مجازی بلاگر اهواز	قبلاً خرگوش الان سگ نژاد شتیزوتریر	آپارتمان استیجاری	یک میلیون	بیکار	-	مجرد	دیپلم	۲۱	دختر (شکیبا)	۱
از طریق اینستاگرام	سگ نژاد پامر روباهی	آپارتمان مالک	۹ میلیون	کارمند	۱	متاهل	کارشناسی	۳۷	زن (لیلا)	۲
پرنده هدیه بود خرگوش از پرنده فروشی	قبلاً عروس هلندی الان خرگوش	آپارتمان استیجاری	۳ میلیون	آزاد	-	متاهل	کارشناسی	۳۵	زن (حدیث)	۳
از یک بلاگر اصفهانی	گربه نژاد پرشین	آپارتمان استیجاری	۲ میلیون	آزاد	-	مجرد	دیپلم	۳۰	دختر (یاسمن)	۴
از شبکه اجتماعی (اینستاگرام)	سگ نژاد بیت بول	آپارتمان استیجاری	۱۵ میلیون	آزاد	-	مجرد	فوق دیپلم	۲۸	مرد (علی)	۵
از گوشه یک خیابان	سگ خیابانی	آپارتمان استیجاری	-	-	-	مجرد	ابتدایی	۱۰	پسر (پوریا)	۶
از بلاگر تهرانی	سگ نژاد شیتزو	آپارتمان مالک	۱ میلیون	خیاط	-	متاهل	دیپلم	۳۶	زن (فریبا)	۷
پانسیون و پناهگاه حیوانات	قبلاً همستر الان گربه سگ	آپارتمان مالک	۲۷ میلیون	پزشک	۱	متاهل	دکتر	۴۰	مرد (محمد)	۸

گره‌ها از خیابان، سگها از طریق معرفی فضای مجازی	۵ تا گربه نژاد پرشین ۳ تا سگ شپرد	آپارتمان مالک	۱ میلیون	معلم	-	مجرد	کارشناسی	۲۸	دختر (میعاد)	۹
ایتزنتی تهران	سگ نژاد شیتزو	آپارتمان مالک	۲۸ میلیون	آزاد	-	متاهل	دانشجوی دکترا	۳۸	مرد (احمد)	۱۰
پرنده و خرگوش پرنده فروشی، سگ و گربه از پانسیون	قبلاً پرنده خرگوش سگ گربه	آپارتمان مالک	۳۰ میلیون	پزشک	۲	متاهل	دکترا	۴۶	مرد (پدرام)	۱۱
بلاگری در اهواز ایتزنتی	قبلاً مرغ عشق، طوطی الان سگ نژاد پامر خرسی	آپارتمان مالک	۱۲ میلیون	آزاد	۲	متاهل	دکترا	۳۵	زن (مهسا)	۱۲
شبکه اجتماعی	سگ نژاد ماتیز	ویلايي مالک	۱ میلیون	بیکار	-	مجرد	راهنمایی	۱۳	پسر امیرحسین	۱۳
خرگوش هدیه بود ولی سگ از شبکه اجتماعی	قبلاً خرگوش الان همستر و یک سگ نژاد مالتیز	آپارتمان استیجاری	حدود ۱ میلیون	بیکار	-	مجرد	کارشناسی	۲۱	دختر (ملیکا)	۱۴
پرنده فروشی	کاسکو طوطی	آپارتمان مالک	حدود ۱ میلیون	بیکار	-	مجرد	محصل	۱۶	پسر (مهرداد)	۱۵
معرفی و خریدن از یک دوست	سگ نژاد اسپانيل عروسکی	آپارتمان مالک	۴ میلیون	بیکار	-	متاهل	دیپلم	۲۰	زن (پارمیدا)	۱۶
بلاگر فضای مجازی	۸ تا سگ نژاد ژرمن	ویلايي مالک	۳۳ میلیون	بلاگر پرورش - دهنده حیوانات خانگی	-	متاهل	فوق دیپلم	۳۰	مرد (عماد)	۱۷

جدول شماره ۲، به فرایند استخراج مفاهیم از عبارات‌های معنایی حاصل از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساخت‌یافته اختصاص دارد. در فرایند تحلیل و کدگذاری داده‌ها، ۸۰ عبارت معنایی استخراج شد که در قالب ۳۸ مفهوم و ۹ مقوله اصلی، دسته‌بندی شدند. جدول شماره ۲، مفاهیم و مقولات اصلی به‌دست‌آمده را نشان می‌دهد.

جدول شماره دو- مفاهیم و مقوله‌های اصلی

مقولات اصلی	مفاهیم
ایجاد سبک دلبستگی ایمن	مونس و همدم، احساس آرامش و امنیت، وابستگی شدید، رفع تنهایی و پیوند عاطفی
افزایش عشق و علاقه و شادکامی	عشق و علاقه، انرژی مثبت و شادی، فراموشی غم و غصه، بهبود کیفیت زندگی، رضایت از زندگی
شکل‌گیری خانواده بین‌گونه‌ای	رسیدگی و مراقبت به‌عنوان فرزند، جایگزین خواهر یا برادر، دفاع و حمایت به‌عنوان فرزند خود، عضوی از خانواده، فرزندپروری، نگرانی به‌عنوان فرزند، رابطه عاطفی مانند فرزند، نقش والد بودن
افزایش ارتباطات اجتماعی و شخصی	به‌عنوان تفریح و سرگرمی، رشد شخصیتی فرزند، سلامتی جسمی و اجتماعی، رشد مسئولیت‌پذیری
تأثیر قدرتمند رسانه‌های اجتماعی و بلاگرها	ایجاد پیچ جدید برای حیوان خود، گذاشتن عکس و فیلم در شبکه‌ها، نقش بلاگرها در افزایش خرید و فروش حیوانات خانگی، آموزش از طریق رسانه‌ها، چشم و هم‌چشمی مجازی
تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی	عدم اعتقاد به نجاست، نجس بودن سگ از نظر شوهر، نجس بودن سگ از نظر پدرش، مخالف بودن خرید سگ به دلیل نجاست، اعتقاد به نماز و روزه ولی اعتقاد نداشتن به نجاست، مخالف بودن همسایه به نجاست
به‌رسمیت نشناختن حیوانات خانگی	عدم اعتبار بین‌فرهنگی، به‌رسمیت نشناختن دولت، داشتن نگاه مثبت به حیوان خانگی، عادی‌شدن در جامعه، تغییر قوانین جامعه، تغییر باورها
شرایط نامطلوب اقتصادی و آینده مالی	ناکافی بودن درآمد، عدم توجه به حیوانات به درآمد فرد، اعتماد به حیوانات خانگی از نظر اقتصادی، نداشتن آینده مالی و ترس از آینده
تضعیف سرمایه اجتماعی	نبود اعتماد اجتماعی، نبود مشارکت اجتماعی، نبود تعاملات خانوادگی، نبود تعامل اجتماعی، نبود همبستگی اجتماعی

۱) ایجاد سبک دلبستگی ایمن

دلبستگی ایمن، همانند یک پایگاه امن روانی و یکی از ابعاد اصلی «سلامت روان» برای هر فرد محسوب می‌گردد. دلبستگی در واقع پیوند عاطفی عمیقی است که با افراد خاص در زندگی

خود برقرار می‌کنیم. شرکت‌کنندگان تحقیق چندین عامل را توصیف کرده‌اند که از محیطی امن و آرام و به دور از اضطراب در کنار حیوان خانگی خود نام برده‌اند. از تحلیل مصاحبه‌ها چنین برمی‌آید که ارتباط تنگاتنگی میان تنهایی و داشتن حیوان خانگی وجود دارد و شرکت‌کنندگان حیوانات خانگی را به‌عنوان همدم و سنگ صبور همیشگی می‌پنداشتند و در کنار این حیوان احساس آرامش و امنیت داشتند.

پوریا پسر ۱۰ ساله می‌گوید: «من خواهر یا برادر ندارم این سگ را از خیابان پیدا کردم و خوشحالم که سگ دارم چون وفادار است و در کنارش احساس امنیت دارم و اگر کسی بخواهد به من حمله کند سگم از من دفاع می‌کند من دیگر تنها نیستم و نمی‌ترسم».

علی ۲۸ ساله می‌گوید: «وابستگی شدیدی به سگم دارم، همیشه و همه جا با من است و بهترین رفیقم است و از وقتی مادرم فوت کرده است در کنار آنجل (منظور سگش) احساس آرامش و امنیت می‌کنم».

شرکت‌کنندگان دیگر نیز درباره رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگهداری از حیوانات خانگی خود اظهار داشتند که داشتن این حیوانات، احساس پناه‌گاه ایمنی و پیوند عاطفی عمیقی بین آنان شکل داده است و حس اعتماد و امنیت در آنها را موجب گشته است و با برقراری رابطه نزدیک با حیوان خانگی خود احساس نایمنی و تنهایی خود را کاهش داده‌اند.

۲) افزایش عشق، علاقه و شادکامی

یکی از مواردی که در حوزه شخصیت و روان‌شناسی سلامت مورد توجه قرار می‌گیرد، شادکامی است. شادکامی سه جزء اساسی دارد: «هیجان و انرژی مثبت»، «رضایت از زندگی» و «نبود هیجان‌ناز منفی» از جمله افسردگی و غم و غصه در زندگی. گفته‌های شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد داشتن حیوانات خانگی در خانواده، منبعی از عشق و علاقه و راهی برای بیان احساس خوشحالی و عشق در افراد است. بسیاری از شرکت‌کنندگان احساس رضایت از زندگی و انرژی مثبت و رضایت از خویشتن را بعد از نگهداری حیوان خانگی خود بیان کرده‌اند.

برای نمونه، شکبیا ۲۱ ساله می‌گوید: «از بچگی عاشق حیوانات بودم و خیلی دوست داشتم سگ داشته باشم، وقتی خرگوشم مُرد خیلی افسرده و ناراحت بودم و مدام برایش گریه می‌کردم ولی بعد تدی (سگش) رو آوردم و از این کارم احساس شادی و خوشحالی دارم و صبح‌ها انگیزه بیشتری برای بیدار شدن دارم».

مشارکت‌کنندگان وجود حیوانات خانگی در زندگی خود را با احساسات مثبت و شادمانی و بهبود کیفیت زندگی در ارتباط می‌دانستند. از طرفی، ترس از دادن حیوان خانگی و انس گرفتن با او را از مشکلات این عشق و علاقه زیاد ذکر کردند.

حدیث ۳۵ ساله در این باره چنین گفته است: «زمانی که عروس هلندی‌ام را رد کردم و به یکی از دوستانم دادم خیلی ناراحت و غمگین بودم و مرتب گریه می‌کردم. چون هدیه روز تولدم بود و خیلی دوستش داشتم ولی به خاطر اینکه خیلی سر و صدا داشت مجبور شدم بجاش یک خرگوش کوچولو بیارم و الان احساس مثبتی دارم و شادمان هستم».

ارتباطی که بین افراد و حیوان خانگی‌شان در درازمدت ایجاد می‌شود می‌تواند به اندازه ارتباطات خونی پیشرفت داشته باشد و موجب احساس مثبت و شادمانی گردد و از آنجا که شادکامی نقطه مقابل افسردگی است و پژوهش‌های زیادی نشان داده است که افسردگی با ضعف ایمنی بدن ارتباط دارد، از دست دادن حیوان خانگی صدمات جبران‌ناپذیری بر فرد وارد می‌کند و عوارضی مشابه فوت اقوام درجه یک ایجاد می‌کند و در مقابل وجود خلق مثبت بر عملکرد بهتر ایمنی می‌افزاید (بیتز و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۳ و ۴۰).

۳) شکل‌گیری خانواده بین‌گونه‌ای

شرکت‌کنندگان بدون فرزند، به شدت از روایت‌های فرهنگی پیرامون فرزندپروری استفاده می‌کنند تا رابطه والدین و حیوانات خانگی را ایجاد کنند و ترکیب حیوانات در زندگی خود را به عنوان عضوی از خانواده در نظر می‌گیرند.

فریبا ۳۶ ساله است و ۴ سال می‌شود که ازدواج کرده و فرزندی ندارد او می‌گوید «به دلیل اینکه تیروئید سمی دارم نمی‌توانم بچه‌دار شوم و یکبار بچه‌ام سقط شده. شدو را از ۲ ماهگی آوردم و مثل بچه خودم از او مراقبت و نگهداری می‌کنم. هر ماه برایش پوشاک و وسیله می‌خرم و اگر نیازی به درمان بود من و همسرم دریغ نمی‌کنیم. شدو بچه بزرگم محسوب میشه و ارتباطات نزدیکی با بچه‌ام دارم و عضوی از خانواده ما شده و اگر همسایه‌ها یا اقوام به بچه‌ام (سگش) توهین کنند و بگویند صاحب یک حیوان است، از آن‌ها بدم می‌آید و با آن‌ها قطع رابطه کنم».

مهسا ۳۵ ساله هم دو فرزند پسر دارد و می‌گوید: «اوایل راضی نبودم و قبول نمی‌کردم که سگ بیاوریم ولی چون دختر خواهرشوهرم سگ داشت و بعد خواهرزاده‌ام سگ آورد، پسرم شروع به بهانه‌گیری و گریه کرد و ما مجبور شدیم برایش سگ بخریم ولی الان خودم هم (کایلا) را دوست دارم و کایلا عضوی از خانواده ما شده و در خانه ما جایگاه خوبی پیدا کرده است. مثل

پسرم برایش جشن تولد می‌گیریم و مراقب تغذیه و سلامتی کایلا هستیم و مسئولیت رسیدگی و مراقبت از او بر عهده من است».

مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که حیوانات خانگی تأثیر قدرتمندی بر روابط خانوادگی دارند به طوری که تصور زندگی در بعضی از خانواده‌ها بدون آنها دشوار است. آنها را عضوی از خانواده خود می‌دانند و به عنوان کودکان جانشین در نظر می‌گیرند. مصاحبه‌های عمیق با شرکت‌کنندگان نشان داد که وقتی آنها درباره حیوانات خود صحبت می‌کردند، عمق و شدت روابط خود، مسئولیت‌پذیری در مورد تغذیه و سلامت و مراقبت از آنها را مورد بحث قرار می‌دادند. همچنین مصاحبه با افراد دارای فرزند نیز مشخص کرد که روابط آنها با حیوانات خانگی به عنوان عضوی از خانواده، فرزند دیگر به عنوان خواهر یا برادر توصیف شده است. البته همه شرکت‌کنندگان خود را والدین حیوان خانگی نمی‌دانستند و این مشارکت‌کنندگان رابطه خود را با حیوان خانگی خود به عنوان «دوست»، «همراه همیشگی» «همدم» و یا حتی «کسی که می‌تواند غذا برای آنها تهیه کند» توصیف کردند.

به عنوان مثال، مبعاد ۲۸ ساله پنج تا گربه و سه سگ دارد و می‌گوید: «از آنها مراقبت می‌کنم و آنها را پرورش داده و احساس دوستی و ترحم نسبت به آنها دارم و در انجمن حمایت از حقوق حیوانات مشارکت دارم».

در بحث از خانواده بین‌گونه‌ای و فرزندپروری باید به اجتماعی شدن حیوانات خانگی هم اشاره کرد. به نظر می‌رسد اجتماعی شدن نیز بخش مهمی از چارچوب آموزشی در این گونه خانواده‌ها است. همان‌طور که والدین بر اهمیت معاشرت کودکان انسانی تأکید می‌کنند، معاشرت این حیوانات با افراد دیگر یا دیگر حیوانات نیز بخش مهمی از رفتار والدین حیوانات خانگی بود و نحوه تربیت این حیوانات همانند تربیت یک فرزند انسانی مورد بحث بود.

۴) افزایش ارتباطات اجتماعی و شخصیتی

برخی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که بعد از آوردن حیوان خانگی از نظر تعامل و ارتباط جمعی بهتر شده‌اند و حیوان خانگی خودشان را جانشین بخشی از این کمبودها و خلاء‌های ارتباطی دانستند. حیوانات به دلیل اینکه امکان برقراری ارتباط کلامی و چهره به چهره با آدمیان را ندارند و ارتباطاتشان به صورت غیرکلامی است، برای آدم‌هایی که از مناسبات اجتماعی و ارتباط با افراد مختلف دچار یأس و سردرگمی هستند، گزینه خوبی برای پرکردن این خلاء ارتباطی محسوب می‌شوند. برخی دیگر از شرکت‌کنندگان گفتند که داشتن یک حیوان دست‌آموز نتایج خوب و مثبتی را برای خانواده آنها داشته است از جمله افزایش فعالیت‌های بدنی به خاطر پیاده‌روی، سرگرمی و تفریح و رضایت‌مندی از وضعیت احساسی و جسمی خود داشتند.

به‌عنوان مثال پدرام ۴۶ ساله که دارای دو فرزند پسر و دختر است می‌گوید: «من و همسرم هر دو شاغل هستیم و بچه‌ها اکثر وقت‌ها در خانه تنها هستند. سگ ما ارتباط خوبی با فرزندانم برقرار کرده و آن‌ها را سرگرم می‌کند و حس مسئولیت‌پذیری دخترم بیشتر شده است. قبلاً دخترم دو سال خرگوش داشت و این باعث شد هم دخترم سرگرم شود و هم از نظر رشد شخصیتی مفید بود».

برخی از شرکت‌کنندگان گفته‌اند که وجود حیوانات خانگی در زندگی آن‌ها موجب چندین مزیت اجتماعی شده است؛ از جمله کاهش احساس تنهایی، فراهم آوردن احساس مسئولیت-پذیری، تعامل اجتماعی و روابط متقابل، سرگرم بودن و افزایش مکالمات شخصی با دیگران و در نهایت سلامتی اجتماعی و جسمی.

در این زمینه لیلا نیز تأکید داشت که «از وقتی این سگ را به خانه آورده‌ایم پسرم مرتب با او بازی می‌کند و از نظر تعاملات ارتباطی و شخصیتی بهتر شده. کمتر گریه می‌کند و بیشتر با او مشغول است».

به نظر می‌رسد وجود آشفته‌گی و افکار منفی در تعاملات اجتماعی در حیطه ارتباط و رشد شخصیتی در افراد دارای حیوانات خانگی، می‌تواند متأثر از این مسئله باشد که این افراد به واسطه وقت بیشتری که با حیوانات خانگی خود صرف می‌کنند، کمتر در محیط خانه و تعاملات ارتباطی بین اعضای خانواده خود درگیر می‌شوند و این وضعیت منجر به شکل‌گیری این تصور نزد آنان می‌شود که داشتن حیوانات خانگی به حس مسئولیت‌پذیری و سلامتی اجتماعی‌شان کمک می‌نماید.

۵) تأثیر قدرتمند رسانه‌های اجتماعی و بلاگرها

یکی از عواملی که به افزایش پدیده نگهداری از حیوانات خانگی مانند سگ و گربه در آپارتمان‌ها کمک کرده، تبلیغ و عادی جلوه دادن آن از سوی شبکه‌های مجازی، ماهواره و ... به این موضوع است. در بازار رقابتی امروز، تبلیغات رسانه‌ها و بلاگرها در شبکه‌های اجتماعی قدرتمندی را بازی می‌کنند. چشم‌وهم‌چشمی افراد دارای حیوان خانگی در شبکه‌های اجتماعی موجب شده، تغییرات بزرگی در نوع نگرش و فرهنگ افراد ایجاد شود و با احتیاط می‌توان گفت نیاز انسان به فرزندآوری و پرورش هم‌نوع، در مواردی به سمت نگهداری از حیوان خانگی سوق داده شود تا جایی که این امر جزئی از سبک زندگی و یکی از پایه‌های منزلت اجتماعی محسوب می‌شود. در میان شرکت‌کنندگان ۱۱ نفر گفته‌اند که حیوان خانگی خود را از طریق اینترنت و اینستاگرام و نگاه کردن به تبلیغات بلاگرها خریده‌اند.

به‌عنوان مثال فریبا می‌گوید: «بچه‌ام را به‌صورت اینترنتی از تهران خریده‌ام وقتی عکس او را دیدم خیلی کوچک و ناز بود و الان که نزدیک ۳ سال می‌گذرد و مرتب با او در اینستاگرام عکس می‌گذارم و از این کار احساس خوشحالی دارم».

مهسا نیز سگش را از یک بلاگر در اهواز خریده است و می‌گوید «وقتی عکس‌ها و فیلم‌ها را در تبلیغاتش دیدم خیلی به دلم نشست و راضی شدم. او می‌گوید سگم یک نژاد پامر کوچک خرسی است که در یک ماهگی او را خریداری کردم».

از گفته‌های شرکت‌کنندگان چنین برمی‌آید که اکثر آنان حیوانات خانگی خود را از طریق فضای مجازی خریده‌اند. در این میان با عماد ۳۰ ساله یکی از بلاگرهای اهواز نیز مصاحبه شد که خود هشت سگ نژاد ژرمن را آموزش می‌داد و مرتب از سگ‌های خود عکس و فیلم می‌گذاشت و از این طریق خرید و فروش بسیاری داشت.

۶) تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی

در این پژوهش ۱۱ نفر از افراد مصاحبه‌شونده اظهار داشته‌اند که هیچ اعتقادی به نجس بودن سگ ندارند.

یاسمن ۳۰ ساله چنین گفته است: «خانواده‌ام مذهبی‌اند و مادرم روزه می‌گیرد نماز می‌خواند ولی من اعتقادی ندارم و این مسئله را خرافات می‌دانم».

پارمیدا ۲۰ ساله هم گفت: «به‌نظرم بتی (سگش) حیوان مهربان و باوفایی است و اصلاً نجس و کثیف نیست. ممکنه خیلی از آدم‌ها از نظر اخلاق و رفتاری از بتی نجس‌تر باشند و اصلاً اعتقادی ندارم».

در مقابل، شرکت‌کنندگانی هم بودند که به خاطر این باور مذهبی حاضر نبودند سگ را به‌عنوان حیوان خانگی قبول کنند و گریه، همستر، خرگوش و یا پرنده را جایگزین سگ نمودند. مهرداد ۱۶ ساله کاسکو (طوطی) داشت گفت: «برای ما که خانواده مذهبی هستیم داشتن پرنده به‌عنوان حیوان خانگی مناسب و اصلاً کثیف‌کاری نداره و می‌تواند راحت در محیط آپارتمان زندگی کند».

۷) به‌رسمیت نشناختن حیوانات خانگی

در جامعه ما بر اساس باورهای دینی ورود حیوان (سگ) به خانه و سفره ممنوع است. خرید و فروش حیوانات خانگی با قیمت‌های گزاف، تبلیغات گسترده سگ‌های مختلف با نژادهای

متنوع در سطح کشور و به‌دور از نظارت سازمان‌هایی مانند دامپزشکی و شهرداری اهواز نشان از بی‌توجهی یا کم‌توجهی نهادهای مس‌ءول در این زمینه دارد. همچنین نابسامانی موجود در واکسیناسیون و صدور شناسنامه برای حیوانات خانگی به‌خصوص سگ‌ها در بازارهای خرید و فروش این حیوانات از دیگر نکات قابل‌اشاره می‌باشد.

دکتر پدرام یکی از شرکت‌کنندگان در مصاحبه درباره‌ی شیوه‌ی نادرست فعلی نگهداری از حیوانات خانگی در میان خانواده‌های ایرانی چنین گفت: «رفتارشناسی حیوانات یک رشته آکادمیک است که متأسفانه در ایران جا نیفتاده است. حیوانات مانند انسان‌ها شخصیت متفاوتی دارند و این نکته خیلی مهمه که کسی که می‌خواهد یک حیوان خانگی بیاره باید قبلاً در مورد انتخاب آن حیوان تحقیق کند و قانون‌گذار باید این وضع رو در نظر بگیرد و قوانین باید در جهت سلامتی حیوانات تغییر کند و خانواده‌ها را موظف کنند که از لحاظ قانونی چکاب ماهیانه را انجام دهند نه اینکه کلاً حیوانات خانگی را ممنوع کنیم».

محمد ۴۰ساله نیز چنین گفت: «در تمام جوامع پیشرفته از زمان باستان و حتی در ایران قدیم نگهداری از حیوانات خیلی عادی بوده و هست و هیچ‌کس نباید مانع این موضوع باشد و فقط قوانین باید در جهت این پدیده نوظهور و جدید اصلاح شود و سخت‌گیری‌ها باید مربوط به مسائل بهداشتی و سلامتی افراد باشد حتی در برخی قوانین کشورهای مختلف همچون دانمارک و آمریکا، نگهداری از سگ‌های خطرناک ممنوع است ولی در ایران قانونی برای ممنوعیت نگهداری خانواده‌ها وجود ندارد».

بیشتر شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌های خود از تغییر نگرش‌ها و قوانین نسبت به حیوانات خانگی خود صحبت کردند و خواستار به‌رسمیت شناختن و اعتبار فرهنگی این پدیده و موضوع بودند آنان از واکنش نامناسب همسایه‌ها و مردم گفتند.

ملیکا دختر ۲۱ ساله که قبلاً خرگوش و همستر داشت می‌گوید: «وقتی کوچک بودم خرگوش داشتم ولی عمر کوتاهی داشت و مُرد. بعد همستر آوردم ولی به دلیل نبود امکانات، از من جدا شد و هر بار از لحاظ روحی آزرده می‌شدم، چون با حیوان انس می‌گرفتم. الان یک سگ نژاد مالتینر دارم. مایکی (سگ) را مرتب بیرون می‌برم ولی گاهی همسایه‌ها و اطرافیان تذکر می‌دهند و باعث ناراحتی من می‌شوند. باید مردم به این مسئله عادی نگاه کنند. هر زمان پارک می‌روم مجبور هستم قلاده گردنش وصل کنم تا پلیس نگیره یا مردم نترسند. باید دولت برای حیوانات ما یک پارک مخصوصی درست کند».

۸) شرایط نامطلوب اقتصادی و آینده مالی

به نظر برخی از مشارکت‌کنندگان، شرایط نامطلوب اقتصادی و نداشتن آینده مالی برای فرزندآوری و ازدواج یکی از عوامل اصلی روی آوردن آنان به پدیده نگهداری از حیوانات خانگی است. ناکافی بودن درآمد و ترس از آینده مالی و اینکه حیوانات به وضعیت اقتصادی آنها توجهی ندارند از جمله دلایل قابل ذکر برای شرکت‌کنندگان بود.

احمد ۳۸ ساله، متاهل و بدون فرزند می‌گوید: «چند سال است که سگی از نژاد شیتزو آورده‌ایم و مثل بچه نداشته خودمون ازش مراقبت می‌کنیم. به خاطر شرایط بد اقتصادی مملکت حاضر نیستم بچه‌ای از پرورشگاه بیارم و نمی‌تونم آینده‌ای از نظر مالی و اقتصادی برای نسل بعدی‌ام تصور کنم».

لیلا هم که یک پسر ۴ ساله دارد و یک سگ نژاد پامر خرسی را از پانسیون آورده است می‌گوید: «سگ‌ها عمر کوتاهی دارند و آینده مالی و نگرانی اقتصادی ندارند ولی بچه انسان آینده طولانی‌مدت می‌خواهد و من حاضر نیستم بچه دیگری بیاورم چون داشتن بچه در این وضعیت نامطلوب اقتصادی جز نگرانی و ترس و اضطراب چیز دیگری ندارد».

نگهداری از حیوانات خانگی، رفتاری هزینه‌بر است، این در حالی است که عده‌ای از افراد نسبت به هزینه‌های فرزنددار شدن ابراز نگرانی می‌کنند اما با نگاهی به هزینه‌های این حیوانات خانگی به راحتی می‌توان فهمید که بیشتر این خانواده‌ها حاضر هستند ماهیانه ۴ تا ۸ میلیون تومان خرج پوشاک، درمان، تغذیه و آموزش و خرید وسایل جانبی این حیوانات داشته باشند ولی فرزندی را قبول نکنند یا به سمت ازدواج نروند. از تمامی شرکت‌کنندگان در مورد میزان هزینه و نگهداری ماهیانه این حیوانات سوال شد. هزینه‌های ویزیت دامپزشکی در اهواز شامل: ویزیت داخل کلینیک ۱۰۰ هزار تومان، ویزیت خارج از کلینیک ۲۰۰ هزار تومان، هزینه تزریق واکسن ۱۰۰ هزار تومان، واکسن‌های ۳ گانه و ۸ گانه ۲۰۰ هزار تومان، واکسن هاری ۸۰ هزار تومان، صدور گواهی سلامت ۱۲۰ هزار تومان، صدور شناسنامه ۷۰ هزار تومان، مشاوره جهت آموزش و تغذیه ساعتی ۲۰۰ هزار تومان، هزینه عقیم‌سازی نر یا ماده ۸۰۰ هزار تومان و انواع جراحی‌های دیگر ۲ میلیون به بالا بود. هزینه تغذیه حیوانات خانگی متفاوت بود.

پارمیدا ۲۰ ساله می‌گوید: «معمولاً ماهی ۳ میلیون برای تغذیه، هزینه می‌کنیم. سگم روزی سه وعده غذا می‌خورد که شامل غذای خشک، بسته‌ای یک میلیون تومان و مرغ یا گوشت آب‌پز که هر ماه ۵ عدد مرغ می‌خریم. میوه و سبزیجات و غذای مخصوص خودش که به صورت غذای کنسروی و تشویقی است».

۹) تضعیف سرمایه اجتماعی

شرکت‌کنندگانی که از عدم اعتماد و تعاملات و مشارکت اجتماعی رنج می‌برند، تعامل و همکاری با حیوان خانگی خود را ترجیح می‌دادند و اعتمادی به هم‌نوع انسانی خود نداشتند. نبود اعتماد اجتماعی، ناشی از عدم صداقت و شفافیت بین افراد است که می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر میزان روابط اجتماعی که افراد با یکدیگر دارند، تأثیر بگذارد. زمانی که اعتماد اجتماعی دچار مشکل می‌شود شاهد از بین رفتن همبستگی و مشارکت اجتماعی هم هستیم. براساس مصاحبه‌های انجام‌شده، ۶ نفر از شرکت‌کنندگان در نبود اعتماد اجتماعی و نبود مشارکت و همبستگی صحبت کردند.

ملیکا دختر ۲۱ ساله از شکست عاطفی و عشقی خود می‌گوید: «بعد از اینکه دچار شکست عشقی و عاطفی شدم و نامزد من رو تنها گذاشت دچار افسردگی شدم و اعتماد رو از دست دادم. از کنار آدم‌ها بودن خیلی ضربه و لطمه دیده‌ام و ترجیح می‌دهم در کنار مایکی (سگش) باشم».

امیرحسین ۱۳ ساله، که خواهر و برادر ندارد می‌گوید: «دوست ندارم خواهر یا برادری داشته باشم و با کسی دوست شوم چون سگم بهتر با من هم‌دل و یکرنگ است».

در جامعه‌شناسی، از جمله عوامل تقویت‌کننده همبستگی و مشارکت اجتماعی، تفاهم، همدلی و نوع دوستی است و نبود اتحاد و تعاون از عوامل تهدیدکننده آن محسوب می‌شود. علی که جدا از خانواده‌اش زندگی می‌کند می‌گوید: «به‌خاطر انجیل (سگش) با همسایه‌ها رفت و آمدی ندارم و اکثر وقت‌ها با انجیل هستم و معتقدم وفادارتر و قابل اعتمادتر از دوستانم است».

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مطالعه و تحلیل جامعه‌شناختی پدیده نگرهداری از حیوانات خانگی در اهواز با رویکرد کیفی انجام شده است. پس از تحلیل داده‌ها، ۹ مقوله اصلی استخراج شد. مقوله اول «ایجاد سبک دلبستگی ایمن» بود. به‌طور کلی بسیاری از کسانی که حیوانات خانگی دارند در رده سنی پایینی قرار دارند؛ همسو با پژوهش قمریان (۱۳۷۹) می‌توان گفت که در شهرهای بزرگ، افرادی وجود دارند که تنها زندگی می‌کنند و این تنهایی و خلاء عاطفی و نداشتن همدم، نتیجه زندگی کلان‌شهری و صنعتی است. کسانی که سگ‌ها یا دیگر حیوانات را در خانه نگه می‌دارند، وابستگی و پیوند عاطفی هیجانی را در بین خود و حیوان خانگی احساس می‌کنند، پیوندی که نسبتاً پایدار است و در حضور آنها احساس امنیت دارند. جان بالبی (۱۳۸۷) برای اولین بار، این رابطه عاطفی را دلبستگی ایمن نامید. بیشتر صاحبان حیوانات خانگی صادقانه

گفته‌اند که زندگی‌شان پس از ورود حیوان خانگی‌شان شادتر و بهتر شده است. برخی افراد معمولاً به‌طور طبیعی از بچگی به برقراری ارتباط با حیوانات و نگهداری از آنها علاقه نشان می‌دهند. این عشق و علاقه به حیوان از حدود سه یا چهار سالگی شروع به شکل‌گیری می‌کند و معمولاً در سنین کودکی پر رنگ‌تر می‌شود. یافته‌های اخیر با نتایج پژوهش بالوترکا و همکاران (۲۰۱۴)، زیلکامانو و همکاران (۲۰۱۲) و نیز تا حدودی با پژوهش هینیک و همکاران (۲۰۱۹) هم‌خوانی دارد. مشارکت‌کنندگان وجود حیوانات خانگی را با احساسات مثبت و شادکامی و بهبود کیفیت زندگی خود در ارتباط می‌دانستند از این رو مقوله «افزایش عشق و (علاقه شادکامی)» نقش مهمی در انگیزه اقدام به نگهداری از حیوانات خانگی ایفا می‌کند. نگهداری از حیوانات برای روستانشینان امر عادی و بسیار طبیعی است زیرا به دلیل وسیع بودن فضای نگهداری هیچ‌گونه مزاحمت یا آسیبی برای اطرافیان ندارند. اما معضلی که جوامع امروزی با آن روبه‌رو هستند، شکل‌گیری خانواده بین‌گونه‌ای است که با احتیاط می‌توان گفت زنگ خطری برای تهدید نهاد خانواده محسوب می‌شود. رشد و تکامل سلامت روانی و عاطفی نوزاد انسانی طی روابط اجتماعی بهتر با هم‌نوع انجام می‌گیرد. گاهی افراد با این تفکر که این حیوانات توقعی ندارند و نگهداری از آنها کم‌هزینه‌تر از یک فرزند است، از زیر مسئولیت بچه‌دار شدن شانه خالی می‌کنند. زندگی شهری و آپارتمان‌نشینی به کوچک‌شدن نظام خویشاوندی و کاهش شمار خانواده‌ها انجامیده و عمق روابط اجتماعی خانواده را کاهش داده که یک پیامد آن این است که فرد به جای فرزند، نگهداری از حیوانات خانگی را برمی‌گزیند. مطابق مصاحبه‌های انجام‌شده، ۱۰ نفر از شرکت‌کنندگان، حیوان خانگی‌شان (سگ یا گربه) را مانند عضوی از خانواده می‌دانستند برخی هم، حیوان را نسبت به فرزند یا خواهر و برادر خونی ترجیح می‌دهند و از آن به‌عنوان فرزند یا بهترین جایگزین خواهر یا برادر یاد کرده‌اند. مقوله دیگر «افزایش ارتباطات اجتماعی و شخصیتی» است که برخی از صاحبان حیوانات خانگی عنوان کرده‌اند که حس مسئولیت‌پذیری و نگهداری از یک موجود دیگر موجب می‌شود تا در آینده، در جامعه نسبت به هم‌نوعان خود، شخص مسؤل‌تری باشیم از لحاظ رشد شخصیت، ارتباط اجتماعی بهتری با دیگران و هم‌نوعان انسانی خود برقرار کنیم. این یافته تا حدودی با یافته‌های پژوهش ولز (۲۰۰۹) مطابقت دارد. مقوله دیگر «تأثیر قدرتمند رسانه‌های اجتماعی» بود. با اندکی اغماض، همسو با دیدگاه گیدنز (۱۳۸۹) و مطابق یافته‌های پژوهش تقوی (۱۳۹۹) می‌توان چنین گفت که امروزه با رشد تکنولوژی‌های مدرن، نقش وسایل ارتباطی جدید بسیار مهم و پررنگ‌تر شده است. رسانه‌ها، روش‌های زندگی را به مردم عرضه می‌کنند و موجب می‌شود افراد درباره زندگی خود به تأمل بپردازند. نقش شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی در بازنمایشی این پدیده را نباید نادیده گرفت. برخی خانواده‌ها

با تأثیرپذیری از تبلیغات رسانه‌ها به نگهداری از حیوانات خانگی نظیر سگ و گربه می‌پردازند. یکی دیگر از مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، تبلیغ بلاگرها و افراد مشهور بود. مطابق با دیدگاه بوردیو (۱۳۸۱) نه تنها تبلیغ بلاگرها و افراد مشهور، شاخصی برای ارتقای جایگاه اجتماعی و طبقاتی است، بلکه نگهداری از حیوانات خانگی هم می‌تواند بازتاب‌دهنده‌ی سبک زندگی افراد باشد. در حقیقت، افراد با عملکردها و اقداماتی که انجام می‌دهند سعی در نشان دادن منزلت خود و تمایزشان از دیگران دارند. در این راستا، تان و همکاران (۲۰۲۱) نیز معتقدند که حیوانات همراه به یک نماد طبقاتی برای زنان شهری چین تبدیل شده‌اند. نگهداری از حیوانات خانگی در بخشی از جامعه ایران تبدیل به یک مُد شده است و یکی از ابعاد و اساسی کارکرد فرهنگی مد در سطح زندگی روزمره، انتقال پیام‌های بصری درباره‌ی منزلت فرد است. تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی یکی دیگر از معانی و مضامین مستخرج از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان بود. بیشتر مصاحبه‌شونده‌ها اظهار داشته‌اند که هیچ اعتقادی به نجس‌بودن سگ ندارند. دورکیم با تکیه بر تحلیل‌های کارکردگرایانه خود دین را مجموعه‌ای هماهنگ از باورها و رفتارهای مربوط به امور لاهوتی می‌داند که پیروان خود را در یک اجتماع اخلاقی یگانه به نام کلیسا جمع می‌کند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۶۳). دورکیم دین را برگرفته از نقشی می‌داند که در پیدایش وجدان جمعی و آگاهی اخلاقی جامعه ایفا می‌کند (الیاده، ۱۳۷۲: ۳۲۱). به‌نظر دورکیم از هم‌پاشیدگی هنجارها موجب می‌شود که اقدامات و پدیده‌هایی نظیر طلاق و... ظاهر شود و در این میان، دین به ایفای نقش پرداخته و در مقابل بی‌هنجاری، ایستاده و جامعه را به تعادل می‌رساند. از این دیدگاه می‌توان گرایش به نگهداری از حیوانات خانگی در جامعه ایران را با گرایش‌های مذهبی ضعیف‌تر افراد مرتبط دانست و شیوع آن را در جوامع و شهرهای بزرگ‌تر، بیش‌تر تصور کرد. از طرف دیگر، با توجه به اینکه غالب قوانین و هنجارهای جامعه ما ملهم از دین (دین رسمی) هستند و به عوامل و دلایل مختلفی دچار از هم‌پاشیدگی شده‌اند و آن کارکردهای نظم‌بخشی گذشته را از دست داده‌اند بنابراین گروهی از افراد جامعه ضمن نپذیرفتن بخشی از قواعد دینی، به نوعی در وضعیت سردگمی و سرگردانی قرار دارند و تعلق و دلبستگی به مواردی مانند حیوانات را جایگزینی برای فقدان تنظیمات هنجاری بخش تصور می‌کنند. بیشتر شرکت‌کنندگان به مقوله‌ی تغییر قوانین، باورها و نگرش‌های دولت و مردم نسبت به داشتن حیوانات خانگی اشاره کردند و خواستار به‌رسمیت‌شناختن این پدیده بودند. جامعه ما در حال گذار از سنتی به مدرن است و قانون‌گذاران باید با بهره‌گیری از مشاوره‌های گوناگون درخصوص حیوانات، قوانین مفیدی وضع کنند، همان‌گونه که در کشورهای دیگر درباره‌ی واکسیناسیون به‌موقع حیوانات، صدور گواهینامه و غیره، قوانین سخت‌گیرانه‌ای اعمال شده است. زمانی که حیوانات خانگی به‌رسمیت شناخته نشوند، بدون نظارت و

قانون، تکثیر و خرید و فروش می‌شوند. عدم قانون، عدم آگاهی و آموزش درست، موجب می‌شود افرادی که حیوان خانگی دارند در مقابل رفتار حیوان خود مسؤول نباشند. به‌عنوان مثال بعضی از نژاد سگ‌ها برای زندگی در آپارتمان مناسب نیستند. در جامعه مطالعه‌شده، تعدادی از افراد شرایط نامطلوب اقتصادی و ترس از آینده مالی را در جایگزینی حیوانات خانگی به جای همسر و فرزندپروری، عنوان کرده‌اند. افراد شرکت‌کننده به دلیل شرایط بد اقتصادی و عدم تضمین آینده مالی فرزندان و بحران‌های مالی و فشار اقتصادی حاضر نبودند به جای حیوان خانگی خود فرزندپروری را بپذیرند و شرایط نامطلوب اقتصادی را در تصمیمات ازدواج و باروری مدنظر داشتند. در صورتی که طبق مصاحبه‌ها، نگهداری از این حیوانات خانگی هزینه‌های زیادی را بر دوش فرد و خانواده تحمیل می‌کند و گاه همین هزینه‌ها بیشتر از هزینه نگهداری از یک کودک است. گاهی افراد با این تفکر که این حیوانات، توقعی ندارند و نگهداری از آن‌ها بسیار بهتر و کم‌هزینه‌تر از یک فرزند است، از زیر بار مسئولیت فرزندپروری شانه خالی می‌کنند. هزینه‌های نگهداری درمانی تغذیه و تربیتی حیوانات، با توجه به شرایط تورم مدام در حال تغییر است. یافته اخیر با پژوهش تقوی (۱۳۹۹) مطابقت دارد. یکی دیگر از مفاهیمی که برخی شرکت‌کنندگان تأکید داشتند نبود اعتماد اجتماعی و کاهش تأمین اجتماعی بود که تحت مقوله اصلی «تضعیف سرمایه اجتماعی» مطرح شد. وقتی انسان‌ها با هم‌نوع انسانی دیگر خود را شکست‌خورده و تنها ببینند، احساس می‌کنند که سرشان کلاه رفته و مورد سوءاستفاده عاطفی قرار گرفته‌اند و به سمت ارتباط با موجوداتی مثل حیوانات خانگی می‌روند. آنان حیوانات خانگی خود را موجوداتی باوفا و قابل‌اعتماد می‌دانند که لطمه‌ای به تعاملات آنها نمی‌زنند، همیشه و در همه حال همراه آن‌هاست و در کل این افراد، تحمل این نوع حیوانات را بهتر از هم‌نوع می‌دانند. از این دیدگاه با اندکی احتیاط همسو با نتایج قمریان (۱۳۷۹) می‌توان گفت افرادی که تعاملات و پیوندهای اجتماعی کمتری دارند، برای جبران بخشی از این کمبود، حیوانات را جایگزین می‌کنند و همین گذران وقت بیشتر با حیوان خانگی، خوبخود سطح روابط اجتماعی را کمتر از قبل می‌کند و در نتیجه ممکن است منزوی‌تر شوند. این یافته با نتایج پژوهش ولز (۲۰۰۹) مطابق ندارد. ولز نشان داده نگهداری از حیوان خانگی ضمن بهبود وضعیت روانی و سلامت بیشتر، موجب بهبود ارتباطات و کاهش انزوی فرد شده و او را به فعالیت اجتماعی و تعامل تشویق می‌نماید.

مطابق دیدگاه گیدنز (۱۳۸۹ و ۱۳۸۷) فرایند مدرنیته به کمک فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین، تعاملات وسیع اجتماعی و فرهنگی بین جوامع گوناگون با فرهنگ‌های متفاوت را فراهم کرده، زندگی اجتماعی افراد را نیز در معرض بازاندیشی پیوسته قرار می‌دهد. این امر سبب آگاهی و مشاهده الگوهای متنوع زندگی مردمان جوامع دیگر، بازاندیشی سبک‌ها و الگوهای سستی

پیرامون خانواده، شیوه زندگی، کنش، ازدواج و فرزندآوری در جامعه خود، و به تبع آن امکان انتخاب آزادانه شیوه زندگی با توجه به امکانات مختلف افراد شده است. در چنین شرایطی می‌توان استدلال کرد که امروزه منابع جامعه‌پذیری متکثر شده‌اند و الگوهای هنجاری و ارزش‌های سنتی، کم‌تر از گذشته، در جامعه تأثیرگذارند. در حقیقت از طرفی، مدرنیته افزون بر فرصت‌های زیادی که فراهم می‌آورد، پدیده‌های ناخواسته و ناخوشایندی را در جهان کنونی نظیر ایجاد سردرگمی اخلاقی و عاطفی، احساس بیهودگی و تنهایی برای انسان‌ها به وجود می‌آورد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۶۱)؛ و از طرف دیگر، مسائل اقتصادی-اجتماعی ساختاری جامعه ایران، شرایط نامنی را برای اعضای جامعه به‌ویژه در کنش، گذران اوقات فراغت، اشتغال و ازدواج مناسب و فرزندآوری ایجاد کرده به طوری که جامعه با تغییرات ارزشی - دست‌کم در حوزه ارزش‌های خانوادگی آنچنان که ون‌دکا (۲۰۰۱) نیز بیان کرده- همراه شده و الگوهای تعلق و دلبستگی عاطفی و روانی دگرگون شده‌اند و دلبستگی به یک حیوان جایگزین انسان شده است؛ الگویی که شاید تا یک دهه پیش با ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی جامعه مغایرت داشت. بنابراین، هر چند میزان خانواده «بین‌گونه‌ای» یا «فراتر از انسان» در ایران نسبت به الگوهای اصلی خانواده خیلی ناچیز است اما چنانچه مطالعات مورد اشاره تحقیق حاضر نشان دادند روند آن رو به افزایش است و در صورت تداوم روند فعلی در کشور و عدم اقدامات همه‌جانبه و اساسی در راستای حل مشکلات فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه مشکلات الگوهای روابط، اشتغال و فراغت، ازدواج و مانند آن، خانواده بین‌گونه‌ای می‌تواند به رشد خود ادامه دهد. درواقع، بدون توجه کارشناسی و چندجانبه (پزشکی، دامپزشکی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و ...) مسئولان مربوطه، پیدایش و گسترش این شکل از خانواده، جدای از ایجاد و پیدایش ارزش‌های جدید فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند سلامت افراد را با خطر مواجه سازد.

بر اساس یافته‌های نوشتار حاضر، مهم‌ترین الگوهای زمینه‌ای شکل‌دهنده شرکت‌کنندگان، ارتباط احساسی و عاطفی و شادکامی همراهی و دلبستگی روحی و همچنین سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت و معنایی به‌عنوان فرزند یا عضوی از خانواده‌شان آشکار شد. در مجموع می‌توان گفت همزیستی جامعه مورد مطالعه با حیواناتی مانند سگ و گربه در قالب معانی مختلفی پدیدار شده است. غالب مشارکت‌کنندگان حیوانات خانگی خود را به عنوان اعضای خانواده تصور می‌کردند. با این حال، همسو با دیدگاه ایروینگ و سیلیا (۲۰۱۷) به دلیل دوگانگی و شاید چندگانگی فرهنگی نسبت به حیوانات، معنای «بودن» یک حیوان خانگی در خانواده، هنوز نامشخص است. به ویژه اینکه در جامعه ایران، تحقیقات کیفی و عمیق چندانی انجام نشده است و تعمیم‌پذیری یافته‌های این مطالعه دشوار است. با احتیاط می‌توان گفت که ارتباطات نزدیک انسان با حیوان

خانگی خود به صورت خانواده بین‌گونه‌ای در حال شکل‌گیری است، اگر چه در سطح بسیار کوچک از جمعیت شکل گرفته است اما آمار آن به مرور زمان در حال افزایش است. شناخت خانواده «بین‌گونه‌ای» به افزایش درک جامعه‌شناختی از خانواده و دیگر ابعاد زندگی اجتماعی کمک می‌کند و از آنجا که این نوشتار فقط محدود به شهر اهواز است، انجام پژوهش‌های بیشتر و بین‌رشته‌ای در این زمینه ضروری است.

پیشنهاد‌های پژوهش

۱- با توجه به پیچیدگی و چندبعدی بودن این موضوع و نظرات و پیامدهای مثبت و منفی این پدیده، راهکار دقیق و قابل اجرایی که در زمان کوتاهی بتوان مطرح کرد؛ نظارت سازمان دامپزشکی و سازمان بهداشت و کلینیک‌های دامپزشکی در خصوص داشتن کارت واکسیناسیون و واکسن هاری و همچنین گواهی سلامت جسمی حیوانات خانگی است. همچنین وضع قوانین و مقررات سخت‌گیرانه جهت جلوگیری از خرید و فروش غیرقانونی ضروری است.

۲- پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های طولی دربارهٔ زمینه‌ها، عوامل، دلایل و پیامدهای نگهداری حیوانات خانگی انجام شود.

۳- ساخت برنامه‌های آموزشی در رسانه‌های ملی و اجتماعی برای آشنایی خانواده‌ها به خصوص کودکان، جهت آگاه‌سازی آنها به اینکه حیوانات خانگی به دلیل عمر کوتاه و عدم ارتباط کلامی نمی‌توانند در آینده جایگزین فرزند یا خواهر و برادر و هم‌نوع انسانی آنها باشند و انسان‌ها برای رفع نیازهای عاطفی و احساسی خود حتماً به هم‌نوع انسانی و نسل پویا نیاز دارند.

محدودیت‌های پژوهش

۱- با توجه به اینکه موضوع از دیدگاه جامعه‌شناسی جدید بود، فقدان الگو یا الگوهای مرتبط و متناسب از مشکلات اصلی روش‌شناسی در این پژوهش بوده است؛ به عبارتی مطالعات پژوهشی از منظر جامعه‌شناسی دربارهٔ موضوع مورد مطالعه و یا مبتنی بر روش‌شناسی مشابه و نیز دربارهٔ میدان مطالعه وجود نداشت، لذا محقق با استفاده از الگوهای نسبتاً مرتبط به پژوهش پرداخته است.

۲- عجله داشتن شرکت‌کنندگان برای انجام مصاحبه در کلینیک‌ها به دلیل نگرانی از وضعیت سلامتی و جسمی حیوان خانگی.

۳- نبود آمار دقیق در سازمان دامپزشکی اهواز از تعداد حیوانات خانگی در ایران و اینکه چه تعداد از افراد در خانواده‌ها به داشتن حیوانات خانگی روی آورده‌اند.

۴- همکاری نکردن چند نفر از بلاگرها در مصاحبه و ارائه ندادن میزان دقیق درآمد حاصل از تبلیغات و خرید و فروش این حیوانات در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به دلیل ترس از از دست دادن درآمد خود.

منابع

۱. استروس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۷) اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. الیاده، میرچا (۱۳۷۲) دین‌پژوهی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی مطالعات فرهنگی.
۳. ایمان، محمدتقی (۱۳۹۳) فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحولات فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
۵. بالبی، جان (۱۳۸۷) نظریه دلبستگی، ترجمه الهام ابوحمزه و کتابون خوشابی، تهران: دانژه.
۶. بوردیو، پیر (۱۳۸۱) نظریه کنش، ترجمه سید مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
۷. تازیکی، طیبه؛ حسن‌زاده، سعید؛ افروز، غلامعلی؛ غباری‌بناب، باقر و سوگند قاسم‌زاده (۱۳۹۳) «اثر بخشی روش درمان با کمک حیوان بر بهبود نشانه‌های کودکان اتیستیک»، روان‌شناسی افراد استثنایی، شماره ۱۵: ۱۶۹-۱۵۰.
۸. تقوی، مرضیه‌سادات (۱۳۹۹) «عوامل فرهنگی نگهداری از حیوانات خانگی و ترجیح آن بر فرزندآوری در مقایسه با تعالیم اسلامی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده رفاه.
۹. جباری، سعید (۱۳۹۷)، «۴۰ درصد مردم جهان دارای حیوانات خانگی هستند»، مصاحبه مدیرعامل بنیاد تنوع زیستی هامون با سایت حکیم مهر، تاریخ انتشار: ۱۶ بهمن ۱۳۹۷: <http://hakimemehr.ir/fa/news/47186>
۱۰. خانجانی، زینب؛ آقائزاد بوذری، افسانه و زینب احمدی (۱۳۹۶) «نقش صفات شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی در نگهداری حیوانات خانگی»، مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران، تهران، ویژه‌نامه روان‌شناسی معاصر: ۶۱۴ - ۶۱۹.
۱۱. دورکیم، امیل (۱۳۸۳) صور ابتدایی حیات دینی، ترجمه فاضل حسامی، تهران: معرفت.

۱۲. زیادللو، احسان؛ اسدی، جوانشیر و سونیا احمدی (۱۴۰۱) «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، کیفیت زندگی و نگرش به زندگی در مراجعین دارا و فاقد حیوان خانگی به کلینیک‌های دامپزشکی شهرستان گرگان»، *روانشناسی اجتماعی*، دوره ۱۰، شماره ۱۵: ۶۷ - ۵۳.
۱۳. قمریان، علیرضا (۱۳۷۹) «بررسی انگیزه نگهداری از حیوانات خانگی در مراجعین به بیمارستان شماره ۲ دامپزشکی دانشگاه تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
۱۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
۱۶. گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۸۹) *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
۱۷. محمدزاده، مهتاب (۱۴۰۱) «بررسی رابطه بین مهارت‌های مدیریتی دامپزشکان و رضایت‌مندی مراجعین از ارائه خدمات به حیوانات خانگی؛ مطالعه موردی کلینیک‌های دامپزشکی تهران»، *پنجمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات بین‌رشته‌ای در مدیریت و مهندسی*، تهران: دانشگاه تهران: ۲ - ۸.

18. Balluerka, N., Muela, A., Amiano, N., & Caldentey, M. A. (2014) «Influence of animal-assisted therapy (AAT) on the attachment representations of youth in residential care». *Children and Youth Services Review*, 42, 103-109.

19. Beck, U., & Beck-Gernsheim, E. (2014) **The global chaos of love: Towards a cosmopolitan turn in the sociology of love and families**. In Ulrich Beck (pp. 142-155). Springer, Cham.

20. Beetz, A., Uvnäs-Moberg, K., Julius, H., & Kotrschal, K. (2012). «Psychosocial and psychophysiological effects of human-animal interactions: the possible role of oxytocin». *Frontiers in psychology*, 3, 234.

21. Bryman, A (2003) **Quantity and quality in social research**. Routledge.

22. Buller, K., & Ballantyne, K. C. (2020) «Living with and loving a pet with behavioral problems: Pet owners' experiences». *Journal of Veterinary Behavior*, 37, 41-47.

23. Greenebaum, J. (2004) «Its aDogs life: Elevating sttus from pet to fur baby at Yappy Hour». *Society & Animals* 12(2), 117-135.

24. Gillespie, D. L., Leffler, A., & Lerner, E. (2002) «If it weren't for my hobby, I'd have a life: dog sports, serious leisure, and boundary negotiations». *Leisure Studies*, 21(3-4), 285-304.

25. Hinic, K., Kowalski, M. O., Holtzman, K., & Mobus, K. (2019) «The effect of a pet therapy and comparison intervention on anxiety in hospitalized children». **Journal of pediatric nursing**, 46, 55-61.
26. Irvine, L., & Cilia, L. (2017) «More-than-human families: Pets, people, and practices in multispecies households». **Sociology Compass**, 11(2), e12455.
27. Melson, G. F. (2003) «Child development and the human-companion animal bond». **American behavioral scientist**, 47(1), 31-39.
28. Owens, N., & Grauerholz, L. (2019) «Interspecies parenting: How pet parents construct their roles». **Humanity & Society**, 43(2), 96-119.
29. Redmalm, D. (2020) «Discipline and puppies: The powers of pet keeping». **International Journal of Sociology and Social Policy**, 41(3/4), 440-454.
30. Saunders, J., Parast, L., Babey, S. H., & Miles, J. V. (2017). «Exploring the differences between pet and non-pet owners: Implications for human-animal interaction research and policy». **PLoS one**, 12(6), e0179494.
31. Saunders, B., Sim, J., Kingstone, T., Baker, S., Waterfield, J., Bartlam, B., & Jinks, C. (2018) «Saturation in qualitative research: exploring its conceptualization and operationalization». **Quality & quantity**, 52(4), 1893-1907.
32. Tan, C. K., Liu, T., & GAO, X. (2021) «Becoming ‘pet slaves’ in urban China: Transspecies urban theory, single professional women and their companion animals». **Urban Studies**, 58(16), 3371-3387.
33. Van de Kaa, D. J. (2001) «Postmodern fertility preferences: From changing value orientation to new behavior». **Population and Development Review**, 27, 290-331.
34. Wells, D. L. (2009) «The effects of animals on human health and well-being». **Journal of social issues**, 65(3), 523-543.
35. Zilcha-Mano, S., Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2012) «Pets as safe havens and secure bases: The moderating role of pet attachment orientations». **Journal of Research in Personality**, 46(5), 571-580.